

نگاهی به مبارزات و اعتراض های کارگری در سال 1393

سال 1393 سال افزایش و گسترش دامنه اعتصاب ها، اعتراضات و مبارزات کارگری بود. علل و خواست های کارگران در این مبارزات و اعتصاب ها را می توان بطور خلاصه بصورت زیر دسته بندی کرد:

- درخواست افزایش دستمزد

- درخواست پرداخت به موقع دستمزدها

- اعتراض به بیکارسازی ها و اخراج سازی ها

- اعتراض علیه قراردادهای موقت، وجود و کارکرد شرکت های پیمانکاری با درخواست تغییر وضعیت از قرارداد موقت و پیمانی به قراردادهای رسمی و دائمی و برای امنیت شغلی

- درخواست بهبود شرایط کار و رعایت شدن استانداردهای ایمنی در محیط های کار.

- مبارزه علیه خصوصی سازی.

طبق محاسبات موجود، که با توجه به محدودیتهای گوناگون دربرگیرنده کلیه اعتراضات کارگری نمی تواند باشد، در طول سال، در 365 واحد تولیدی و خدماتی، کارگران دست به اعتراض، تجمع و اعتصاب زدند. در برخی از واحدها، اعتراضات کارگران در چندین نوبت به وقوع پیوست. در مجموع اگر تعداد اعتراضات و اعتصاب های کارگری در واحدهای تولیدی و خدماتی و به همین گونه اعتراض و مبارزه دیگر نیروهای کار از جمله معلمان، پرستاران و اعتراضات بازنشستگان را به حساب بیاوریم، آنگاه با اطمینان می توان گفت که سال 1393 چه از نظر تعداد اعتراضات و چه از نظر تعداد شرکت کنندگان در این اعتراضات، نسبت به سال های پیشین، رشد چشم گیری را نشان می دهد.

کارگران و شرایط اقتصادی و سیاسی

افزایش و گسترش دامنه اعتراضات و مبارزات کارگری در سال 93 بر مبنای شرایط اقتصادی و سیاسی به وقوع پیوست که نسبت به گذشته به شدت به زیان کارگران بدتر شده بود، و می توان گفت که این اعتراضات و مبارزات اساساً در واکنش به این اوضاع انجام گرفت. مشخصات و ویژگی این شرایط اقتصادی و سیاسی را می توان این گونه خلاصه کرد:

- تداوم روند رو به کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان،

- کاهش هر چه بیشتر امنیت شغلی و گسترش بیکار سازی ها: با هر چه موقتی تر شدن قراردادهای کار، تعداد بیشتری از کارگران با خطر اخراج سازیها مواجه شدند، در کنار آن تعطیل و نیمه تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی منجر به بیکارسازی و اخراج کارگران در این واحدها گردید. همچنین تعطیلی تعداد زیادی از پروژه های عمرانی و رکود در بخش ساختمان نیز بیکاری سازی گسترده کارگران در پروژه های عمرانی و کارگران بخش ساختمان سازی را به دنبال داشت.

- تداوم تحمیل بی حقوقی مطلق بر کارگران: در این سال رژیم جمهوری اسلامی حتی با دور زدن هر چه بیشتر قوانین خودش، آنجا که به نفع اش نبود سرکوب حقوق کارگران را تشدید بخشید. همچنین طرح های ضدکارگری گذشته به اجرا گذاشته شد و تداوم یافت؛ از جمله مصوبات دولت احمدی نژاد همچنان اجرایی شد. و در کنار آن قوانین جدید ضدکارگری تصویب و به اجرا گذاشته شد.

- وخیم تر شدن ایمنی محیط کار: بدتر شدن استاندارد های ایمنی در محیط کار باعث افزایش حوادث کار و در نتیجه افزایش تعداد موارد مرگ و مصدوم شدن کارگران گردید.

- سرکوب آشکار تشکل های مستقل کارگری و هر گونه تلاش برای ایجاد این نوع تشکل ها توسط رژیم: در این رابطه رژیم با توسل به نیروی سرکوب همچنان مانع فعالیت و کارکرد تشکل های مستقل کارگری شد و در کنار آن از طریق احضار، بازداشت و زندانی کردن و فشار بیشتر به کارگران زندانی مانند محاکمه مجدد، تبعید، و اذیت و آزار، هزینه مبارزه برای تشکل یابی مستقل کارگری را سنگین تر کرد.

- اخراج کارگران معترض توسط کارفرمایان و وارد کردن فشارکاری و دستمزدی به آنها ابعاد گسترده تری یافت.

- دخالت قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی در اعتراضات کارگری: همکاری میان کارفرمایان دولتی، شبه دولتی و خصوصی و قوه قضائیه و نیروهای نظامی در احضار، بازداشت، محاکمه و زندانی کردن کارگران معترض و سازمان دهندگان اعتراضات کارگری برای احقاق حقوق هر چه بیشتر و بصورت سازمانده تری نسبت به قبل به پیش برده شد.

- عوامل کارگری رژیم، یعنی تشکل های دست ساز و حکومتی مانند خانه کارگر، شورای اسلامی کار، مجمع نمایندگان، انجمنهای صنفی و زیرشاخه های آنها تکاپوی بیشتری داشتند. برای مثال این تشکل ها بیش از پیش تلاش کردند تا به عنوان اتحادیه های کارگری از سوی نهاد های جهانی به رسمیت شناخته شوند. بطور کلی اهدافی که این تشکلات وابسته به رژیم دنبال می کردند همچون سابق عبارت بود از: سوار شدن بر موج نارضایتی کارگران، به بیراهه کشاندن اعتراضات کارگری، ایجاد شکاف و تفرقه در میان کارگران و فعالین کارگری و تلاش بیش از پیش برای تکمیل اقدامات سرکوب گرانه و ضدکارگری رژیم.

شرکت خانواده کارگران در مبارزه

از دیگر ویژگی ها مبارزه کارگری در سال گذشته حضور خانواده ها و همسران کارگران در اعتراضات کارگری بود؛ برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

-تجمع خانواده های کارگران بازداشتی معدن سنگ آهن بافق در اعتراض به دستگیری ها،

-تجمع خانواده های ماشین لنت سمنان،

-حضور خانواده ها در تجمع کارگران برای آزادی 8 کارگربازداشتی کاشی گیلانا،

- شرکت خانواده های کارگران کارخانه یک و یک خرم بید در تجمع کارگری،

-تجمع همسران کارگران معدن زغال سنگ زمستان یورت مقابل فرمانداری آزاد شهر برای حقوق عقب افتاده

- شرکت خانواده کارگران مس خاتون آباد در بابک شهر در تجمع با خواست استخدام کارگران.
- تجمع خانواده کارگران کارخانه کنتورسازی ایران قزوین در حمایت از کارگران.

کارگران و مسئله دستمزدها در سال 93

1 - مبارزه برای افزایش دستمزد:

روند کاهش قدرت خرید کارگران در سال 93 نیز ادامه پیدا کرد. حتی آمارهای رسمی نیز نشان می دهد که حداقل مزد 609 هزار تومان مصوب شورای عالی کار برای سال 93 هزینه زندگی حتی یک هفته خانواده کارگری را تامین نمی کرد. بنابراین خواست افزایش دستمزد ها یکی از خواسته مهم کارگران بود. تعداد واحدهای تولیدی و خدماتی ای که کارگران در آنجا نسبت به سطح دستمزد اعتراض کردند و نیز تعداد کارگران شرکت کننده در این اعتراض ها به روشنی نشان دهنده افزایش این اعتراض ها نسبت به سال پیش بود. بطور مشخص در 27 واحد تولیدی و خدماتی کارگران با خواست افزایش دستمزد، دست به اقدام زدند. خواست افزایش دستمزد در اشکال مختلف مانند افزایش مزد پایه، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دنبال گیری شد. در مجموع حدود 27000 کارگر در این اعتراضات شرکت داشتند.

اشکال اعتراض و مبارزه :

الف - تحریم غذا: در 7 واحد کارگران از این شیوه برای اعتراض به سطح دستمزد استفاده کردند. در 3 واحد حدود 22400 کار در این حرکت شرکت داشتند. از جمله در ایران خودرو حدود 20000 کارگر غذا را تحریم کردند. از تعداد کارگران شرکت کننده در تحریم غذا در 4 واحد دیگر اطلاع دقیقی در دست نیست.

در کارخانه آلومینای جاجم خراسان حدود 220 نفر غذا را تحریم کردند. در این کارخانه اعتراض برای افزایش دستمزد سه هفته جریان داشت؛ در دو هفته اول کارگران در محیط کارخانه راه پیمایی می کردند، بدین شکل که در درب کارخانه از سرویس پیاده می شدند و تا رسیدن به واحدها دست به راهپیمایی می زدند. در هفته سوم کارگران علاوه بر راهپیمایی، غذای کارخانه را تحریم کردند. در گندله سازی چادرملو 200 نفر غذا را تحریم کردند. در چهار واحد دیگر در بخش ماشین سازی نیز کارگران از این شکل از مبارزه استفاده کردند.

ب - اعتصاب: در 6 واحد کارگران اعتصاب کردند. از تعداد کارگران اعتصاب کننده در یک واحد، اطلاعی در دست نیست، در 5 واحد دیگر در مجموع حدود 2800 کارگر در اعتصاب شرکت داشتند؛ از جمله در واگن پارس 900 نفر، در پتروشیمی تبریز 500 نفر، در کشت و صنعت نیشکر هفت تپه 500 نفر، در کشت و صنعت کارون 500 نفر و در سد سازی گچساران 400 نفر.

پ- تجمع: در 9 واحد تولیدی و خدماتی کارگران برای افزایش دستمزد دست به تجمع زدند. مجموع کارگران شرکت کننده در 4 واحد بیش از 1800 نفر بود، از جمله: 1000 کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی اصفهان و حومه، 300 کارگر سیمان آبیک، 300 کارگر در معدن چادرملو و 200 کارگر در پتروشیمی کارون.

از تعداد کارگران شرکت کننده در تجمع در 5 واحد دیگر اطلاع دقیقی بدست نیامده است.

تجمع های دیگر را نیز باید به فهرست افزود، از جمله: تجمع تعدادی از کارگران و فعالین کارگری مقابل مجلس در 5 اسفندماه برای افزایش دستمزد و تجمع کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مقابل وزارت کار در 18 اسفندماه.

ت - اشکال دیگر: دیگر شیوه هایی که کارگران با استفاده از آن خواهان افزایش سطح دستمزدها شدند از جمله عبارت بود از طومار نویسی، نامه اعتراضی و رسانه ای کردن خواست خود. در مجموع کارگران 5 واحد از این شیوه ها استفاده کردند.

2 عدم پرداخت به موقع دستمزدها و واکنش کارگران:

تعداد واحدهای تولیدی که در آنها کارگران با مشکل عدم پرداخت به موقع حقوق (دستمزد، حق سنوات، حق عائله مندی، حق مسکن، عیدی، پاداش و حق بیمه) مواجه بودند، نسبت به سال 92 افزایش بیش از 10 درصدی را نشان می دهد. اما تصویر واقعی وقتی آشکار می شود که بدانیم تعداد کارگرانی که با مشکل عدم پرداخت درگیر بودند 85 درصد نسبت به سال 92 افزایش یافت. همچنین مدت زمان عدم دریافت به موقع دستمزدها نسبت به سال 92 رشد صد در صدی داشت.

کارگران در 398 واحد تولیدی و خدماتی با مشکل عدم پرداخت به موقع دستمزدها دست و پنجه نرم کردند. از این تعداد در 269 واحد 83408 کارگر با مشکل فوق مواجه بودند. از تعداد کارگران در 129 واحد دیگر که با همین مشکل روبرو بودند، اطلاع دقیقی نیست.

در واکنش به معضل دستمزدهای معوقه، کارگران در 202 واحد تولیدی و خدماتی دست به اعتراض، تجمع و اعتصاب زدند. در 116 واحد 33120 کارگردار این اعتراضات شرکت داشتند. از تعداد کارگران شرکت کننده در اعتراض در 86 واحد دیگر اطلاعی در دست نیست.

دلایل و یا بهانه برای عدم پرداخت به موقع دستمزد ها گوناگون است. صرف نظر از دزدی آشکار دستمزد کارگران توسط تعدادی از کارفرمایان می توان به علت های زیر اشاره کرد: تعطیل و یا نیمه تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولیدی از جمله به دلیل عدم توان رقابت با کالاهای وارداتی و حذف یارانه ها به خصوص بالا رفتن قیمت حامل های انرژی، ایجاد بحران های مصنوعی توسط کارفرما با هدف خصوصی سازی بنگاه، عدم پرداخت بدهی ها به پیمان کاران توسط دولت و یا کارفرمای اصلی و در نتیجه گروگان گرفتن دستمزد کارگران توسط پیمان کاران و در مواردی توسط کارفرمای اصلی به منظور فشار بر دولت. در همه موارد دولت و سیاست های اقتصادی حاکم نقش اصلی در عدم دریافت به موقع دستمزد ایفا کرده است؛ دولت ایران بزرگترین کارفرما و در همان حال بزرگترین بدهکار به کارگران است. دولت افزون بر بدهکار بودن دستمزد به کارگران، حدود 97 هزار میلیارد تومان به سازمان تامین اجتماعی بدهکار است. دولت وعده داده است که در سال آینده تنها 1 درصد این بدهی را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

3- پرداخت حقوق پایین تر از حداقل حقوق تعیین شده

همانطور که گفته شد حداقل دستمزد سال 93 از سوی شورای عالی کار 609 هزار تومان اعلام شد. اما بخش زیادی از کارگران حتی همین حداقل را نیز دریافت نمی کنند و مزد شان در مواردی کمتر از نصف حداقل دستمزد است. برای نمونه می توان از موارد زیر نام برد:

- کارگران زن بافنده فرش در کارگاه های قالی بافی،
 - کارگران زن کشاورزی در برخی از استان های کشور،
 - تکنیسین های زن در داروخانه ها حقوق شان حدود 250 هزار تومان است،
 - زنان در مطب پزشکان و یا دفاتر وکلا حقوقی بین 200 تا 400 هزار تومان دریافت می کنند،
 - برخی خبرنگاران خبرگزاری های شناخته شده حقوق شان کمتر از حد اقل دستمزد است،
 - مرییان پیش دبستانی در مواردی حدود 250 هزار تومان حقوق می گیرند،
 - کارگران شرکتهای مخابرات 300 هزار تومان حقوق دریافت می کنند،
 - کارگران رستوران ها، سوپر مارکت ها و برخی از کارگران شهرداری ها غالباً حقوق شان کمتر از حداقل دستمزد است،
 - کارگران نمایندگی ایران خودرو در خمام حقوقی کمتر از حداقل دستمزد می گیرند،
 - کارگران خط بی آرتی شرکت واحد تهران ماهی 500 هزار تومان دریافت می کنند،
 - کارگران کشتارگاه سیمرغ نیشابور دستمزدشان 400 هزار تومان است،
 - کارگران هرم طلایی شرق نیشابور در آخر ماه 465 هزار تومان به دست شان می رسد -
- تا اکنون آماری از منابع رسمی درباره تعداد کارگرانی که که دستمزدی کمتر از حداقل دستمزد دریافت می کنند، منتشر نشده است. اما طبق گزارش های غیر رسمی چند میلیون کارگر بدون قرارداد و بیمه کار می کنند که بخش عمده ای از آنها غالباً دستمزدی کمتر از حداقل مزد رسمی دریافت میکنند.

بیکار سازی ها و اعتراض کارگران

در سال 93 خبر تعطیلی 81 واحد تولیدی و خدماتی که اکثریت آنها را واحدهای تولیدی تشکیل می دادند، رسانه ای شد. در 57 واحد، 82000 کارگری 93 سال بیکار شدند. از تعداد کارگران بیکار شده در 24 واحد دیگر اطلاعی در دست نیست.

نمونه ای از واحدهای تولیدی تعطیل شده:

- تعداد زیادی از کارگاه های کفاشی در تبریز، تهران، اصفهان، شیراز تعطیل شدند. تنها در تبریز، چند هزار کارگر کفاش در طی ایندوره بیکار شده اند،

- کارخانه های آرد گنبد کاووس تعطیل و کارگران بیکار شدند،

- 10 هزار کارگر ساختمانی پاکدشت در پی اتمام پروژه های مسکن مهر بیکار شدند.

لازم است گفته شود که علاوه بر موارد بالا در نتیجه کاهش و بحران بودجه عمرانی دولت یازدهم بسیاری از پروژه های عمرانی به حالت تعطیل در آمدند و کارگران بیکار شدند. به علاوه رکود بخش مسکن باعث شد تعداد زیادی از کارگران بخش ساختمان به صفوف انبوه بیکاران بپیوندند. نکته قابل توجه دیگر تعطیل شدن واحدهای تولیدی کوچک توسط بانکها است که بطور سرریسته حاکمی از تعطیلی 110 واحد است. از تعداد کارگران بیکار شده در این واحد ها گزارشی موجود نیست.

علاوه بر بیکار شدن کارگران به دلیل تعطیلی واحدهای تولیدی، خدماتی، پروژه های عمرانی و مسکن، بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی دایر نیز دست به اخراج کارگران زدند که در مواردی اعتراض جمعی کارگران را به دنبال داشت. از جمله در 113 واحد تولیدی و خدماتی بخشی از کارگران اخراج شدند. از این تعداد در 107 واحد، 12402 کارگر اخراج شدند. از رقم کارگران اخراج شده در 6 واحد دیگر اطلاعی در دست نیست.

در 30 واحد تولیدی و خدماتی شاهد اعتراض کارگران علیه بیکار سازی ها بودیم؛ در 28 واحد 4241 نفر در اعتراضات شرکت داشتند. از تعداد کارگران شرکت کننده در اعتراضات در 2 واحد دیگر اطلاعی در دست نیست.

از تعداد کل کارگران بیکار شده در سال 93 آماری منتشر نشده است. طبق گزارش بانک مرکزی از جمعیت 77/8 میلیون نفری ایران حدود 24 میلیون نفر را جمعیت فعال تشکیل می دهند و نرخ بیکاری 10/5 درصد است. گزارش دیگری از مرکز آمار ایران در پاییز سال 93 نیز نرخ بیکاری را همان 10/5 درصد و تعداد کل بیکاران در کشور را 2/5 میلیون نفر اعلام کرد. طبق این گزارش نرخ بیکاری در بین جوانان 15 تا 24 ساله 25 درصد بوده است. این ها آمار رسمی نرخ بیکاری است که با توجه به تعاریفی که مرکز آمار ایران و دولت از "شاغل" و "بیکار" داده اند تهیه شده است (به طور مثال اعلام کرده اند که تمام افراد بالای ده سال که در طول هفته مرجع حداقل یک ساعت کار کرده باشند شاغل محسوب میگردند). آمار واقعی مربوط به جمعیت شاغل و بیکار اما بسیار متفاوت است و نرخ واقعی بیکاری بر مبنای معیارها و استانداردهای بین المللی بسیار بالاتر خواهد بود.

اعتراضات کارگری علیه شرکت های پیمانکاری و قراردادهای موقت کار

حدود 93 درصد کارگران در ایران با قرارداد موقت کار می کنند. در سال 93 روند رو به کاهش دوره قراردادها تداوم یافت. برای نمونه در یک مورد در کارخانه نورد پروفیل ساوه مدت قرارداد موقت از یک سال به 3 ماه و حتی به 1 ماه کاهش پیدا کرده است. همچنین شاهد رواج امضای از پیش سند تسویه حساب از سوی کارگران و ارائه وثیقه های چندین میلیون تومانی از سوی آنان پیش از آغاز کار بودیم. هدف از این زور گویی این است که کارگران تا در صورت اخراج نتوانند هیچ گونه خسارت از کارفرمایان در خواست کنند.

اما عمق فاجعه در رابطه با ناامنی شغلی وقتی آشکار می شود که بدانیم میلیون ها کارگر بدون هیچ گونه قرارداد، به کار مشغولند. آمار موجود از تعداد کارگران که بدون قرارداد کار می کنند متفاوت است. آماری که از منابع رسمی از جمله مرکز آمار ایران منتشر شده نشان می دهد که با در نظر داشتن جمعیت فعال و نیروی شاغل و کسانی که بیمه هستند، حدود 3 میلیون نفر بدون قرارداد و هیچگونه حق و حقوقی کار می کنند. از سوی دیگر بنا به گزارشی که به تازگی از مجلس به بیرون درز کرده تعداد کارگران بدون قرارداد 5 میلیون نفر است. اما در روز 16 اسفندماه علی ربیعی وزیر کار رژیم این تعداد را 7 میلیون نفر اعلام کرد. پیش از آن در هفتم مهر سال 1393 علی ربیعی وزیر کار گفت 7 میلیون شغل غیر رسمی داریم.

در سال 93 همچنان شاهد فعال تر شدن شرکت های پیمانکاری بودیم؛ نه تنها روند تبدیل وضعیت کارگران شرکتی به قرار داد مستقیم متوقف شد، بلکه به عکس دولت بر تلاش های خود برای تبدیل کارگران قرارداد مستقیم به شرکتی را افزایش داد. موارد زیر نمونه هایی است از تبدیل قرارداد های مستقیم به شرکتی:

- تصمیم وزارت صنعت مبنی بر تبدیل قرارداد 3000 نفر از بارزسان سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان که تجمع اعتراضی آنها را در پی داشت،
- تبدیل قرارداد کارگران خدماتی فرودگاه مهرآباد از مستقیم به پیمانی،
- فشار به کارگران شرکت واحد صفهان برای تبدیل قرارداد مستقیم به پیمانی، .
- در همان حال در جاهای مختلف شاهد مبارزه کارگران در خلاف جریان، یعنی برای تبدیل قرار دادی پیمانی و شرکتی به قرارداد مستقیم بودیم. در مجموع در 32 واحد تولیدی و خدماتی حدود 16 هزار نفر با چنین خواستی دست به مبارزه زدند که چند نمونه آن را در زیر بر می شمیریم:
- کارگران پیمانکاری ایران تایر،
- کارگران برق منطقه ای،
- کارگران پتروشیمی ایلام،
- کارگران نیروگاه بخار ایرانشهر،
- کارگران شرکتی دانشگاه تبریز،
- 10 هزار کارشناس کشاورزی،
- کارگران نگهبانی پست های برق وزارت نیرو-
- کارگران خدمات شهری شهرداری طبس، شیراز،
- کارگران مخابرات روستایی شهرهای مختلف از جمله اهواز، کوچصفهان ایلام.

در همین رابطه باید یادآوری کنیم که مربیان حق التدریسی (شرکتی) که در گزارش ها تعدادشان هزاران نفر اعلام شده، کماکان با مشکل استخدام از طرف وزارت آموزش پرورش مواجه هستند. به همین گونه مربیان پیش دبستانی که با واسطه شرکت های پیمانکاری برای آموزش و پرورش کار می کنند با مشکل تبدیل وضعیت روبرو هستند. علاوه بر این، فشار به کارگران تبدیل وضعیت شده و عدم پرداخت حق و حقوق آنها افزایش یافت.

اعتراض علیه خصوصی سازی

روند خصوصی سازی در سال 93 نیز ادامه یافت. اصولاً در سال و سالهای گذشته تحت عنوان خصوصی سازی، موسسات و واحد ها به کسانی واگذار شده که هدف شان "تولید و گسترش صنعت" و نظایر آن نبوده بلکه چشم به تسهیلات بانکی داشته اند و یا قصدشان فروش کارخانه و موسسه و یا فروش زمین های این واحد ها بوده است. بنابراین خصوصی سازی ها یکی از عوامل رکود، تعطیلی و یا نیمه تعطیلی در بسیاری از واحدهای تولیدی بوده است. همانطور که در بالا اشاره شد کارگران بسیاری در واحدهای تعطیل شده، بیکار شده اند. از سوی دیگر تقریباً در همه خصوص سازی ها، آنگاه که نیز موسسه و یا واحد تولیدی به فعالیت خود ادامه داده، خصوصی سازی برای کارگران نا امنی شغلی، افزایش شدت کار و کاهش دستمزد در پی داشته است. به همین دلیل کارگران تقریباً در همه جا با خصوصی سازی مخالفت و یا مبارزه کرده اند. نمونه بر جسته این اعتراض به خصوصی سازی را در سال 93 در معادن بافق شاهد بودیم که حدود 5000 کارگر معدن

دردو نوبت علیه طرح خصوصی سازی معادن دست به اعتصاب طولانی زدند. موارد زیر نمونه های دیگری است از مبارزه کارگران علیه خصوصی سازی:

- اعتراض کارگران معدن البرز شرقی،
 - اعتراض فولادآذربایجان،
 - اعتراض کارگران شرکت پروده طبس،
 - تجمع کارکنان شرکت پالایش و پخش خون مقابل مجلس در اعتراض به بلاتکلیفی پس از خصوصی سازی.
- در واحدی تولیدی بالا حدود 6500 کارگردر اعتراض و اعتصاب شرکت داشتند.

-اعتراضات دیگر بدلائل گوناگون

در 26 واحد تولیدی و خدماتی در رابطه با شرایط کار، محرومیت از برخی مزایا و دیگر مسایل کارگری شاهد اعتراض کارگران بودیم .

الف: اعتراضات در رابطه با مسکن

اعتراض در رابطه با مسکن از دیگر مبارزات کارگران در سال 93 بود. بدلیل عدم تحویل خانه ها و یا ابهام در مورد وضعیت مسکن کارگران و یا در مورد زمین های واگذاری شده، شاهد اعتراض و تجمع کارگری از سوی 32 تعاونی مسکن کارگران در واحدهای تولیدی و یا خدماتی و نیز اعتراض کارگران در محل زندگی بودیم. واگذاری مسکن بدون امکانات اولیه زندگی و وسیله تردد عمومی از دیگر دلایل اعتراض کارگران در محل زندگی بود. خلاصه ای از این اعتراضات در زیر آمده است.

- تجمع اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، تعاونی مسکن کارگران صنایع و معادن تهران،

- اعتراض تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک،

- بلاتکلیفی 1500 کارگر متقاضی مسکن در شیراز،

- تجمع کارگران ساوه در اعتراض به عملکرد اتحادیه اسکان، همچنین اعتراض کارگران اسلام آباد غرب، کارگران ساوج، و کارگران قائم شهر در همین رابطه،

- تجمع اعضای تعاونی مسکن تامین اجتماعی قزوین مقابل استانداری در اعتراض به سیاست های بانک ملی به نمایندگی از 816 نفر،

- اعتراض کارگران سایپا نسبت به تحویل منازل بدون گاز و آب آشامیدنی،

- ده ها تجمع اعتراضی نسبت به مسکن مهر در مقابل مجلس، دفاتر شرکت ها، مقابل مجتمع ها را باید به موارد بالا افزود.

ب: اعلام شکایات توسط کارگران

- تشکیل 250 هزار پرونده کارگری در هیئت های حل اختلاف که نسبت به سال قبل افزایش داشته است. از جمله:

- شکایت بیش از 21 هزار کارگر از کارفرمایان در اصفهان.

- در طول سال، 1700 پرونده شکایت از سوی کارگران در اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان بر علیه کارفرمایان تشکیل شد.

ارسال ماهانه بیش از 400 شکایت کارگری به دیوان عدالت اداری.

بر خورد رژیم و کارفرمایان با کارگران معترض واحدهای تولیدی و خدماتی

الف: اخراج کارگران معترض:

- در 40 واحد شاهد اخراج کارگران توسط کارفرمایان بدلیل اعتراض بودیم. در 39 واحد 313 کارگر اخراج شدند. از تعداد کارگران اخراجی یک واحد اطلاعی در دست نیست.

- تهدید به اخراج: گزارشات زیادی از تهدید به اخراج کارگران معترض داریم که در مواردی موجب ترس کارگران برای اعتراض شده است.

- تهیه لیست سیاه توسط کارفرمایان عسلیویه که حاوی نام کارگران معترض هست. هدف از این لیست این است که با اخراج کارگر معترض توسط کارفرما، دیگر کارفرماها نیز از استخدام او خود داری کنند.

- در همین رابطه اداره کار اردبیل برای خواباندن اعتراضات کارگران کارخانه ذوب آهن اردبیل پیشنهاد داده است که 40 کارگر به اتهام عاملان اعتراض از کار اخراج شوند.

ب: دخالت قوه قضائیه:

- شاهد دخالت قوه قضائیه در 12 واحد تولیدی و خدماتی از جمله در معادن چادرملو، بافق، آق دره و چشمه پودنه، کاشی گیلانا، پتروشیمی رازی، یک ویک، پروفیل ساوه و فولاد درود بودیم. در نتیجه این دخالت 104 کارگر به دادگاه احضار و 36 کارگر بازداشت شدند.

پ: دخالت نیروی نظامی و انتظامی در اعتراضات کارگری:

شاهد 14 مورد دخالت نیروی نظامی و انتظامی در اعتصابات و تجمعات کارگری بودیم، از جمله:

- دخالت نیروهای انتظامی در تجمع کارگران منطقه یک شهرداری اهواز که باعث دستگیری چند کارگر معترض شد.

- 8 کارگر کاشی گیلانا به پلیس امنیت احضار شدند.

- پلیس پاسگاه انتظامی (پلیس) کرخه در محور اندیمشک-شوش 8 کارگر معترض به اخراج را دستگیر و سپس در پاسگاه آنان را مجبور کرد با به سپردن تعهد از پیگیری حقوق خود صرف نظر کنند.

- ا حضار یک کارگر در اجتماع معدن کوشک بافق مقابل وزارت صنعت و گرفتن تعهد کتبی از او.

- اعلام حالت مشابه حکومت نظامی در پروفیل ساوه به صورت ممنوع کردن اجتماع بیش از 3 نفر در مقابل کارخانه.

- یازداشت 8 کارگرمعارض به اخراج در شرکت پدیده دوکوهه در پروژه جاده سازی، توسط پاسگاه انتظامی پلیس کرخه در محور اندیمشک-شوش،

- دیگر واحد هایی که نیروهای انتظامی برای سرکوب اعتراضات دخالت کردند عبارتند از : معادن بافق، نیروگاه گناوه، واگن پارس اراک، معدن سنگرود، ذوب آهن اردبیل، کمپرسورسازی تبریز و اجتماع کارگران اخراجی پتروشیمی هکمتانوهوکارخانه کاشی کویریزد .

گفتنی است که دخالت قوه قضاییه و نیروی انتظامی و نظامی در اعتراضات و اعتصابات کارگری حتی با مفاد قانون کار موجود نیز مغایرت دارد. برای مثال بر اساس مواد 142 و 143 و مواد 157 تا 166 در صورت بروز اعتراض، اعتصاب و یا دیگر اختلافات بین کارگران و کارفرمایان، این وظیفه هیئت های تشخیص حل اختلاف، اداره کار و وزارت کار است که در این موارد دخالت کنند.

دیگر اشکال سرکوب علیه کارگران معترض

الف: افزایش فشارکار. برای نمونه :

- سخت تر کردن شرایط کاری کارگران معترض در پتروشیمی های ماهشهر،

- سخت تر کردن شرایط برای 2 کارگرگسترش ماناساز،

- تنزل شغل 2 کارگر فولاد وچدن دورود.

ب: عدم پرداخت حقوق و مطالبات کارگران. برای نمونه:

- عدم پرداخت مطالبات 5 کارگرمعارض کارخانه آلومینیوم المهدی

- عدم پرداخت یکسال حقوق 1 کارگرمعارض ماشین لنت سمنان.

پ: تهدید به عدم استخدام. برای نمونه :

- 21 کارگرنیشکر هفت تپه پس از اعتصاب به عدم استخدام تهدید شدند.

ت: - ایجاد فضای امنیتی و رعب وحشت توسط کارفرما. برای نمونه :

- ارسال صورت جلسه نمایندگان کارگران با کارفرما به مراجع امنیتی در پتروشیمی ماهشهر،

- ایجاد حالت حکومت نظامی توسط کارفرما در خلال اعتصاب 1200 کارگر لوله سازی اهواز.

اعمال فشار به اعضای تشکل های مستقل و فعالین کارگری

الف: دشمنی آشکار با ایجاد تشکل های مستقل کارگری و بکار گیری ترفند های مختلف علیه شکل گیری این تشکل ها. در این رابطه از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حمایت وزارت کار از شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوس رانی تهران علیرغم انتخابات غیرقانونی این شورا،

- دستکاری در انتخابات کانون بازنشستگان تهران،

- جلوگیری از برگزاری کانون بازنشستگان فرهنگی دشتستان،
- عدم تایید صلاحیت نمایندگان کارگران نانوائی ها سندج به رغم انتخاب شدن آنها توسط کارگران،
- ایجاد تشکل های موازی از جمله اقدام وزارت کار در رابطه با انجمن صنفی روزنامه نگاران،
- اعلام مخالفت آشکار اداره کار آذربایجان شرقی با هر نوع تشکل یابی مستقل کارگران،
- ب: احضار، بازداشت و زندانی کردن اعضای تشکل های مستقل کارگری و فعالین کارگری؛
- در آغاز سال 93 و در آستانه روز جهانی کارگر اقدامات سرکوب گرانه زیر علیه فعالین کارگری صورت گرفت:
- حمله به خانه های تعدادی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و بازداشت آنها ،
- بازداشت چندساعته 23 نفر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه،
- بازداشت اعضای اتحادیه آزاد در روز جهانی کارگر،
- بازداشت، احضار و تهدید اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در روز جهانی کارگر، در همان روز و روزهای بعد از آن،
- احضار، تهدید، بازداشت، محاکمه و زندانی کردن تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی در شهرهای کردستان؛ تعدادی از آنها هم اکنون در زندان بسر می برند و دوران محکومیت شان را می گذرانند.

اعمال فشار به کارگران زندانی و خانواده هایشان

موارد:

- محاکمه مجدد بهنام ابراهیم زاده، فعال حقوق کودک و عضو جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان و از اعضای کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری؛ او به 9 سال و نیم زندان محکوم شده است،
- مهدی فراخی شانندیز فعال کارگری و حقوق کودکان که پس از گذراندن محکومیت 3 سال زندان، از آبان 1392 بدون هیچ حکم تا روز ۱۳ دی ماه سال 93 را در زندان گذارند، و سپس در آن روز دوباره محاکمه و به 3 سال دیگر در زندان محکوم شد،
- رضاشهبابی همزمان با مرخصی استعلاجی از زندان به دادگاه احضار و دوباره با اتهام جدیدی محاکمه شد،
- محمد جراحی مورد بازپرسی مجدد قرار گرفت،
- به شاهرخ زمانی، عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، حتی پس از در گذشت مادرش اجازه استفاده از مرخصی داده نشد،
- با تقاضای مهدی فراخی که از بیماری چشم رنج می برد برای درمان در خارج از زندان مخالف شد،
- محمد جراحی که از بیماری های مختلف رنج می برد از دست رسی به امکانات درمانی مناسب، محروم شده است.

- شاهرخ زمانی با اتهام واهی به زندان رجایی شهر تبعید شد؛ او در اعتراض، به اعتصاب غذای طولانی دست زد که جاننش در معرض خطر جدی قرار گرفت،

- به منزل بهنام ابراهیم زاده حمله بردند، خانه را تفتیش کردند و همسر و فرزند او را برای مدتی دستگیر کرده و اذیت و آزار کردند.

ادامه روندتحمیل بی حقوقی مطلق به کارگران:

تحمیل بی حقوقی مطلق بر کارگران توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه یافت. همراه با تداوم سرکوب سیاسی مستقیم، قوانین جدید ضدکارگری تصویب شد، هر جا که قوانین موجود به نفع رژیم نبود، آنها را دور زد و طرح های ضدکارگری گذشته، از جمله اجرای مصوبات دوران احمدی نژاد را در دستور کار خود گذاشت.

موارد:

- ماده 41 قانون کار در تعیین حداقل دستمزد همچنان نا دیده گرفته شد،

- طرح استاد شاگردی نوین مصوب دولت احمدی نژاد، لغو نشده و موضوع خارج شدن کارگاه های زیر 10 نفر از شمول قانون کار همچنان در ابهام ماند،

- مناطق ویژه اقتصادی و آزاد تجاری گسترش یافت و کارگران بیشتری از شمول قانون کار خارج شدند،

- دولت به منظور باز گذاشتن دست کارفرمایان در اخراج کارگران وموقتی ترکردن بازهم بیشتر قراردادهای کاری، لوایح جدید را تهیه کرد تا سپس با تصویب مجلس به قانون تبدیل کند. لایحه ی "تامین امنیت شغلی برای کارگران و تامین امنیت سرمایه گذاری کارفرمایان، رفع موانع تولید ولایحه خروج از رکود" یکی از این لوایح است. بعلاوه لایحه "دایمی کردن قانون مدیریت خدمات کشوری" در هیئت وزیران به تصویب رسید تا با طرح و تصویب در مجلس جنبه قانونی بگیرد. (این لایحه در 8مهرماه 1386 برای 5سال تصویب شد و سپس تا پایان سال 93 تمدید گردید.)

- دولت روحانی در صدد بر آمد که قانون دوران احمدی نژاد را همراه بااصلاحاتی دایمی کنند؛ ازجمله بالابردن سن بازنشستگی برای مردان از 60 سال به 65 سال و افزایش سن بازنشستگی برای زنان به 60 سال. همچنین قرار شده که در پیوند با مشاغل سخت و زیان آورسن بازنشستگی 5سال افزایش یابد.

افزایش حوادث کار و قربانی شدن کارگران

تعداد جان باختگان حوادث کار براساس بایگانی ما ونیز گزارشات منتشره از پزشکی قانونی استان ها در طول سال جاری نشان از افزایش این حوادث و فاجعه های ناشی از آن دارد.

برای نمونه:

- در استان سمنان تعداد جان باختگان ناشی از این حوادث در 10ماه سال 93 نسب به سال پیش از آن 61 درصد افزایش یافت،

- در استان اصفهان تعدادجان باختگان در همان دوره 10 ماه، 22 درصد افزایش داشت،

- در استان همدان تعداد جان باختگان حوادث کار در 9 ماه سال گذشته 25 درصد افزایش یافت.

- همچنین بر طبق گزارش ها در استان های تهران، آذربایجان غربی، خراسان جنوب و کهگیلویه و بویر احمد تعداد جان باختگان و مصدومین حوادث کار نسب به سال 92 افزایش یافت.

پزشکی قانونی تعداد کارگران کشته شده در 9 ماه سال 93 در سراسر کشور را 1506 نفر اعلام کرد.

با این حال اداره کار برخی از استان ها در ماه اسفند آماری مبنی بر کاهش تلفات حوادث کاری منتشر کردند. با مبنای قرار دادن آمار پزشکی قانونی در خلال سال 93 و آنچه که ما بر اساس گزارش های رسمی در طول سال جمع آوری کرده ایم با اطمینان می توان گفت که وزارت کار قصد دستکاری آمار حوادث کار و کمتر نشان دادن تعداد تلفات را دارد.

تعداد حوادث کار و نتایج فاجعه بار آن در سال 93 نشان می دهد که در رعایت استانداردهای ایمنی محیط کار نه تنها بهبودی حاصل نشده بلکه وضعیت بدتر هم شده است. وزارت کار با طرح های دهن پرکن چون طرح افسران ایمنی کار برای کارگاه های زیر 25 نفر تلاش می کند که از لزوم بازرسی محیط های کار از طریق بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه ای شانه خالی کند، تا از هزینه وزارت خانه بکاهد. گفتنی است که افسرایمنی را کارفرما تعیین می کند. بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه ای بنا به تعریف باید از دانش لازم در این زمینه برخوردار بوده و قوانین را بشناسند. در کشوری مثل ایران که کارفرمایان همواره تلاش می کنند که همین بازرسان را با رشوه دهی و شیوه های دیگر تطمیع کنند، می توان حدس زد که افسران ایمنی کار که توسط خود کارفرما بر گزیده می شوند تا چه حد استقلال دارند.

در کارگاه های بالای 25 نفر هم هیچ تغییری را شاهد نبوده ایم و کمیته های "حفاظت فنی و بهداشت کار" همچنان عمل می کند. بر اساس گزارشات منتشره بیش از 50 درصد این کمیته ها صوری هستند و شناخت کافی از استاندارد های ایمنی و بهداشت حرفه ای ندارند. گزارش ها نشان می دهد آیین نامه کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار توسط این کمیته ها اجرا نمی شود. بعلاوه خبر ها حاکی است که در بسیاری موارد، وابستگان کارفرمایان عضو این کمیته ها هستند.

سال 93 و مبارزه معلمان

در اواخر سال 93 معلمان با خواست افزایش دستمزد، بهبود شرایط کاری، آزادی معلمان زندانی و بالا بردن کیفیت آموزش و علیه سیاست خصوصی سازی آموزش و پرورش دست به اعتراض زدند:

- 30 دی و 1 بهمن روز اعتراض سراسری معلمان بود،

- 3 اسفند، معلمان در یک حرکت اعتراضی همراه با پرستاران در مقابل مجلس تجمع کردند،

- 10 اسفند روز اعتراض سراسری معلمان بود،

- اعتراض و تجمع معلمان از 21 تا 24 اسفند در برخی از شهرها ادامه یافت، -

- طوماری با امضا شش هزار معلم تهیه شد.

موارد زیر از جمله بطور مشخص مورد اعتراض معلمان بود:

عدم پرداخت حق اضافه کاری که شامل حال نیم میلیون معلم می شود. (علی رغم وعده ی دولت مبنی بر پرداختن حق اضافه کاری تا پایان سال، سه ماه از معوقات حقوقی معلمان تا کنون پرداخت نشده است) و عدم پرداخت پاداش مناطق محروم و نپرداختن حق نوارمرزی.

مشکلات معلمان حق التدریسی، پیش دبستانی و شرکتی

معلمان حق التدریسی با حقوق های بسیار پایین تر از معلمان رسمی کار می کنند و از امنیت شغلی بسیار پایینی بر خوردارند. بستن قرارداد استخدام رسمی با آموزش و پرورش از خواست اصلی این معلمان است. افزون بر این معضل حقوق های معوقه از جمله موضوع اعتراض این معلمان است که بارها برای دریافت به موقع حقوق دست به اعتراض زده اند.

معلمان پیش دبستانی و شرکتی نیز که با واسطه شرکت های پیمانکاری برای آموزش و پرورش کار می کنند خواهان تبدیل وضعیت و قرارداد مستقیم هستند. این معلمان نیز حقوق بسیار پایینی در حدود 200 هزار تومان در ماه و در مواردی حتی کمتر از آن دریافت می کنند و با بیمه ده تا بیست روزه به کار می پردازند.

واکنش رژیم به اعتراض معلمان، کماکان سرکوب، تهدید، اقدام به جاسوسی در بین معلمان و تلاش برای ایجاد تفرقه در بین آنان بوده است؛ رسول بدایق و محمود باقری همچنان در زندان بسر می برند و طبق خبرها، رژیم مشغول پرونده سازی بیشتر علیه رسول بدایق است. علاوه بر این در جریان اعتراض معلمان، چندین نفر از آنان دستگیر و احضار شدند؛ از جمله سلیمان عبدی در اول بهمن در سقز احضار و بازداشت شد، و نیز دو معلم دیگر در همین شهر احضار شدند. صدور حکم برای معلمان توسط هیأت های تخلفات اداری به دلیل فعالیت صنفی و بیکار کردن معلمان از دیگر شیوه هایی است که رژیم برای سرکوب مبارزه معلمان به آن متوسل می شود.

اعتراض و مبارزه پرستاران

افزایش دستمزد و اجرای قانون تعرفه پرستاری که پس از گذشت 8 سال از تصویب آن در مجلس هنوز اجرایی نشده است، و بهبود شرایط کاری از جمله کاهش اضافه کاری ها که بدلیل کمبود تعداد پرستاران، بر پرستان تحمیل می شود، از خواست هایی بود که پرستاران برای رسیدن به آن دست به مبارزه زدند:

- در چهارم تیرماه پرستاران مقابل مجلس تجمع کردند،
- در هفتم آبان پرستاران بار دیگر در برابر مجلس دست به تجمع زدند
- در سوم آذر پرستاران بار دیگر در مقابل ساختمان ریاست جمهوری تجمع کردند. بعلاوه تجمع های دیگری از سوی پرستاران در شهرهای مختلف از جمله در مشهد و اصفهان برگزار شد. پرستاران به ویژه به عدم پرداخت حق و حقوق پرستاران محلات، و تاخیر در پرداخت تعرفه زایمان ماماها اعتراض داشتند.

واکنش رژیم به اعتراض پرستاران نیز توسل به ایجاد فضای ترس در بین آنان و تهدید بود.

بازنشستگان در سال 93

در سال 93 شاهد اعتراضات گسترده بازنشستگان برای افزایش مستمری و پرداخت بموقع حقوقشان بودیم. علیرغم وعده و وعیدها از طرف مقامات عالی‌رتبه از جمله شخص علی ربیعی وزیر کار، مشکلات این بازنشستگان کماکان بقوت خود باقی است. بطور کلی طی سال 93 شاهد بیش از 30 تجمع و اعتراض کارگران بازنشسته بودیم. در زیر چکیده ای از مبارزه و تلاش بازنشستگان برای افزایش حقوق بازنشستگی و دریافت به موقع حقوق آمده است:

- بیش از 80 هزار بازنشسته صنعت فولاد با مشکل عدم پرداخت بموقع دستمزدشان دست و پنجه نرم کردند و در همین رابطه تعداد زیادی از آنان چندین بار در اصفهان و تهران از جمله در مقابل مجلس دست به تجمع زدند،

- 750 هزار نفر از بازنشستگان فرهنگی از دولت طلب کارند و در همین رابطه بارها به شیوه های مختلف نسبت به عدم پرداخت بدهی از سوی دولت، اعتراض کرده اند،

- بازنشستگان پست و 40 هزار بازنشسته راه آهن برای دریافت و افزایش حق اولاد و عائله مندی و حق مسکن دست به اعتراض زدند،

- کارگران بازنشسته از واحدهای تولیدی زیر با خواسته های متنوع در مورد حقوق بازنشستگی خویش دست به اعتراض زدند: بازنشستگان ایران کف، نساجی مازندران، چیت سازی بهشهر، نساجی کاشان، ایران برک، شهرداری سوسنگرد، تامین اجتماعی تهران، پارسیلون خرم آباد، ابرصنعتی قزوین، پارس متال، آزمایش مرودشت، بازنشستگان شهرهای سقز و بوکان.

- همچنین در سال 93 شاهد مبارزه بازنشستگان برای افزایش مستمری و همسان سازی حقوق بودیم؛ بعبارت دیگر بازنشستگان خواهان اجرای کامل ماده 96 قانون تامین اجتماعی یعنی افزایش مستمری با توجه به افزایش هزینه زندگی بودند. در ماده 96 قانون تامین اجتماعی چنین آمده است:

"سازمان مکلف است میزان کلیه مستمریهای بازنشستگی، از کار افتادگی کلی و مجموع مستمری بازنشستگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیأت وزیران به همان نسبت افزایش دهد."

موارد زیر از جمله مبارزات بازنشستگان بطور مشخص برای افزایش مستمری بود:

- مبارزات بازنشستگان تامین اجتماعی برای افزایش مستمری،

- طومار اعتراضی 1000 امضایی بازنشستگان تهران برای افزایش مستمری،

- تجمع بازنشستگان فرهنگی سراسر کشور در 10 اسفند مقابل مجلس برای همسان سازی حقوق ها،

تجمع بازنشستگان آموزش و پرورش در 28 مهر در اعتراض به عدم اجرای نظام جامع هماهنگ پرداخت حقوق مصوب سال 86.

به رغم این مبارزات بازنشستگان هنوز به خواسته های خود دست نیافته اند. و بدتر اینکه دولت می کوشد دریافتی بازنشستگان را از آنچه هست نیز کمتر کند. بدهی 100 هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق های بازنشستگی کشور کماکان پرداخت نشده است و از پرداختش هم خبری نیست. بعلاوه دولت با ابلاغ بخش نامه ای از سوی معاونت نظارت راهبردی ریاست جمهوری در مهر ماه در صدد است که حق بیمه را از اضافه کاری کارمندان حذف کند. اجرای این بخش نامه موجب کاهش 30 درصدی حقوق یک میلیون بازنشسته خواهد شد.

وضعیت زنان کارگر

همانطور که در بالا اشاره شد بسیاری از زنان کارگر در کارگاه های تولیدی بدون هیچ قرارداد به کار اشتغال دارند و بسیاری از آنان دستمزدی کمتر از حداقل مزد دریافت می کنند. در سال گذشته روند نزولی مشارکت اقتصادی ادامه یافت و زنان کارگر اولین قربانیان اخراج ها در واحد های تولیدی بودند. بطور کلی نرخ مشارکت اقتصادی زنان به زیر 12 درصد تنزل و نرخ بیکاری زنان به بالای 43 درصد افزایش پیدا کرد. بر اساس آمار های رسمی نرخ بیکاری زنان در ایران به دو نیم برابر مردان ارتقا یافته است.

در سال 93 یک سوم از زنان کارگری که از مرخصی زایمان استفاده کردند، از کار بر کنار شدند. بطور مشخص از 145 هزار زنی که از مرخصی 6 ماهه زایمان استفاده کردند 47 هزار نفر اخراج شدند. تنها در همین مورد 5 هزار کایت یا پرونده در دیوان عدالت اداری تشکیل شده است. طرح سال 93 مجلس در ایجاد محدودیت های بی سابقه برای اشتغال زنان، از جمله جداسازی محیط کار زنان و مردان را نیز باید به این اجحافات و تبعیض های آشکار جنسی افزود. همگی اینها نشان دهنده برقرار بودن آپارتاید جنسیتی در ایران است (در رابطه با وضعیت زنان کارگر ایران در سالهای اخیر گزارش جداگانه ای به فارسی و انگلیسی تهیه و انتشار داده خواهد شد).

فشاربیش ازپیش به کارگران مهاجر

در سال 93 صدها هزار کارگران مهاجر همچنان با دستمزد نازل و بدون بر خورداربودن از هیچ حق و حقوقی مورد بهره برداری قرار گرفتند. کارگران مهاجر باز هم به شیوه های مختلف عامل بیکاری در ایران معرفی شدند و زیر فشار قرار گرفتند. حضور کارگران افغانی در تعدادی از استان ها ممنوع اعلام شد و آنها بدون هیچ جرمی تنها به صرف حضور در این استان ها تحت پیگیری قرار گرفتند. تبلیغات نژادپرستانه علیه کارگران مهاجر شدت گرفت. بالا بردن هزینه تحصیل کودکان کارگران مهاجر از جمله با اخذ شهریه اجباری از آنان موجب شد که بسیاری از این کودکان مجبور به ترک تحصیل شوند. این تبعیض های نژادی یکی از عوامل عمده تفرقه بین کارگران است.

کودکان کار

در سال 93 شاهد افزایش تعداد کودکان در بازار کار بودیم؛ به دلایل مربوط به فشارهای اقتصادی به خانواده ها، کودکان باز هم بیشتری از چرخه تحصیل بازمانده و به بازار کار پرت شدند. آمارهای رسمی تعداد کودکان کار را حدود دو میلیون نفر گزارش داده اند. اما فعالین دفاع از حقوق کودکان، با در نظر گرفتن تعداد کودکانی که در آمارها به حساب نیامده اند و همچنین کودکانی که والدین شان اتباع کشورهای مختلف از جمله افغانستان و عراق می باشند، این ارقام را تا سه برابر بیشتر نیز محاسبه کرده اند. اغلب کودکان کار از خانواده های بشدت کم درآمد و یا بیکار می باشند.

کودکان کار، تحت استثمار شدید پیمانکاران و یا کارفرمایان کارگاه های زیرزمینی قرار دارند. گزارشاتی مبنی بر اذیت و آزار آنها منتشر شده است. گزارشاتی وجود دارد که نشان می دهد که کودکان با لباس کارشهرداری تهران کار می کنند. علاوه بر پدیده کودکان کودکان، ما شاهد گسترش تعداد کودکان خیابانی در تهران و دیگر شهرهای ایران هستیم که دهها هزار نفر محاسبه شده اند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://www.etehadbinalmelali.com> / info@workers-iran.org

فروردین 1394